

سرآغاز هر حرکت، از جمله حرکت به سمت رشد و کمال، اندیشه و تفکر است، موضوعی که در بخش اول با محوریت تفکر پیرامون خدا، آثار و صفاتش، سنت‌های او در جهان هستی، به ویژه انسان به آن پرداختیم.

اما گام بعد، حرکت برای کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی است که با انجام دادن مجموعه‌ای از کارها (واجبات) و ترک برخی از امور (محرمات) در قلمروهای مختلف ممکن است.

هرچند این مسیر بادشواری‌هایی ممکن است همراه باشد اما یادمان نرود که خداوند، قدرتمندترین قدرتمندان، پشتیبان ما در این مسیر است :

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ
وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^۱

و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست، هدایت کند.



وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٠٦﴾ وَلَا تَجَادِلْ
 عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ
 خَوَّانًا أَثِيمًا ﴿١٠٧﴾ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ
 مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ ۚ
 وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ﴿١٠٨﴾ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ
 عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 أَمْ مَن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿١٠٩﴾ وَمَن يَعْمَلْ سَوَاءً أَوْ
 يَظْلِمِ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا
 ﴿١١٠﴾ وَمَن يَكْسِبِ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبْهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۖ وَ
 كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١١﴾ وَمَن يَكْسِبِ خَطِيئَةً أَوْ
 إِثْمًا ثُمَّ يَرِمْ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿١١٢﴾ وَ
 لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ
 يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّوكَ مِنْ شَيْءٍ ۚ
 وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ
 تَكُن تَعْلَمُ ۚ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿١١٣﴾

و از خدا آمرزش بخواه، که خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۱۰۶﴾
 و از کسانی که به خویشان خیانت می‌کنند دفاع مکن، که خداوند هر کس را که
 خیانتگر و گناه‌پیشه باشد دوست ندارد. ﴿۱۰۷﴾
 [کارهای ناروای خود را] از مردم پنهان می‌دارند، [اما از خدا شرم نمی‌کنند] و
 از خدا پنهان نمی‌کنند [و در حضور او مرتکب گناه می‌شوند]، و هنگامی که در
 مجالس شبانه، سخنانی که خدا راضی نبود می‌گفتند، خدا با آنها بود و خدا به آنچه
 انجام می‌دهند، احاطه دارد. ﴿۱۰۸﴾
 هان، شما همانان هستید که در زندگی دنیا از ایشان جانبداری کردید، پس چه کسی
 روز رستاخیز از آنان در برابر خدا جانبداری خواهد کرد؟ یا چه کسی حمایتگر [و
 حامی] آنان تواند بود؟ ﴿۱۰۹﴾
 و هر کس کار بدی کند، یا بر خویشان ستم ورزد؛ سپس از خدا آمرزش بخواهد،
 خدا را آمرزنده مهربان خواهد یافت. ﴿۱۱۰﴾
 و هر کس گناهی مرتکب شود، فقط آن را به زیان خود مرتکب شده، و خدا همواره
 دانا و حکیم است. ﴿۱۱۱﴾
 و هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود؛ سپس آن را به بی‌گناهی نسبت دهد، قطعاً
 بهتان و گناه آشکاری بر دوش گرفته است. ﴿۱۱۲﴾
 و اگر فضل خدا و رحمت او بر تو نبود، گروهی از ایشان آهنگِ آن داشتند که تو
 را گمراه سازند، [اما] جز خودشان [کسی] را گمراه نمی‌سازند، و هیچ‌گونه زیبایی
 به تو نمی‌رسانند. و خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی به تو
 آموخت، و فضل خدا بر تو همواره بزرگ بود. ﴿۱۱۳﴾



درس هفتم

در گرو کار خویش

در بحث از سنت‌ها، با یکی از سنت‌های الهی که نقش عمل انسان در سرنوشت او بود، آشنا شدیم و نمونه‌هایی از این تأثیر را مطالعه کردیم.

اما یک سؤال اساسی در رابطه میان انسان و عمل او وجود دارد که لازم است به‌طور جدی درباره آن بیندیشیم و ببینیم که قرآن کریم و پیشوایان دین درباره آن، چه رهنمودی به ما داده‌اند.

آن سؤال اساسی این است که :

عمل انسان چه نقشی در ساختن شخصیت او دارد؟

دربارهٔ ارزشمندی قدرت اختیار بارها سخن گفته و توضیح داده شده است که انسان به کمک همین ویژگی می تواند مراحل کمال را یکی پس از دیگری بیاماید و به تعبیر مولوی :

باردیگر از ملک پُران شود آنچه اندر وهم ناید آن شود

انسان همان طور که با قدرت اختیار خود می تواند راه کمال را طی کند، با همین توانایی می تواند در مسیر شقاوت پیش رود و هلاکت خود را رقم بزند. عواملی همچون شیطان، شرایط فرهنگی و اجتماعی، دوستان، رسانه ها و هر عامل دیگر فقط در حدّ وسوسه و تحریک نقش دارند و این، خودِ انسان است که سرنوشت شقاوت بار خود را رقم می زند و آیندهٔ خود را تباه می سازد پس انسان گناه کار در گرو عمل خویش است.

تدبّر در آیات

فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا آنگاه [تشخیص] بدکاری و پرهیزکاری را به آن [نفس انسان] الهام کرد.

قَدْ أَلْفَحَ مَنْ زَكَاةَا که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد.
وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَاها^۱ و هر کس آن را آلوده کرد، قطعاً محروم شد.

۱- در این آیات یک بشارت وجود دارد و یک انداز، آنها را مشخص کنید.

.....
.....

۲- این بشارت و انداز نشانهٔ چه حقیقتی است؟

بیشتر بدانیم

قرآن کریم در ابتدای نقل گفت و گویی از بهشتیان با دوزخیان می فرماید :^۲
هر انسانی در گروی کاری است که کرده و باید جوابگو باشد که چرا این زیان را به خود یا دیگری رسانده است.
سپس آن گفت و گو را چنین نقل می کند تا نشان دهد که دوزخیان در گروی چه رفتاری بوده اند :

۱- سورة شمس، آیات ۸ تا ۱۰.

۲- سورة مدثر، آیات ۳۸ تا ۴۸.

اصحاب یمین از مجرمین می پرسند : چه چیزی شما را به راه دوزخ کشاند؟ آنان با تأسف می گویند : ما نماز گزار نبودیم و توجهی به بینوایان نداشتیم و آنان را اطعام نمی کردیم و پیوسته با اهل باطل همنشین بودیم و روز قیامت را تکذیب می کردیم که ناگهان مرگ آمد و ما را دربرگرفت.

پس از آن خداوند با حالتی تأسف آمیز می فرماید : کار اینان به جایی رسید که حتی شفاعت شفاعت کنندگان نیز برای آنان سودی نداشت. سپس خداوند، ما را به علت اصلی این سرنوشت وحشتناک توجه می دهد که اینان از هر اندرز و نصیحتی فرار می کردند، همان طور که چهارپایان از حمله شیرهای درنده فرار می کنند.

زمینه های گناه

هیچ انسانی به طور فطری به دنبال ظلم، خیانت، دروغ گویی، تجاوز به حقوق دیگران و سایر اموری که گناه و بدی نامیده می شوند، نیست؛ بلکه برعکس، انسان ها عدل، امانت داری، صداقت، عفت، پاکدامنی، حیا و اموری که عمل صالح و خُلق نیکو محسوب می شوند را، دوست دارند و می خواهند که دیگران هم نسبت به او راستگو و درست کردار باشند.

ممکن است پرسید : پس چرا بسیاری از انسان ها به سوی گناه می روند و مرتکب گناه می شوند؟ در تبیین علت و چرایی حرکت انسان به سمت گناه می گوئیم :

خداوند حکیم امیال و غرایز و گرایش های گوناگونی در وجود انسان قرار داده تا به وسیله آنها حیات مادی و معنوی خود را سامان دهد و تکامل بخشد؛ امیال و غرایز برای حیات مادی و گرایش به خیر و نیکی برای حیات معنوی.

آنچه در این میان مهم است این است که انسان باید میان امیال و غرایز خود تعادل برقرار کند تا طغیان یک یا چند میل و غریزه، عرصه را بر گرایش های انسان به خیر و نیکی تنگ ننماید.

تمایلات مادی در انسان شبیه به جریان آب در طبیعت است. اگر آب، که مایه حیات انسان و گیاهان و حیوان هاست، هدایت و کنترل شود و در پشت سدها و در مزارع و رودخانه ها به طرز صحیحی استفاده گردد، موجب آبادانی می شود؛ اما اگر همین آب کنترل نشود و به صورت سیل و سیلاب جاری شود، تخریب و ویرانی به بار می آورد.

به طور مثال، یکی از قوای وجودی ما قوه غضب است. خداوند این قوه را در انسان قرار داده تا

در مواقع خطر از خود دفاع کند و با متجاوزان مقابله نماید. اما اگر کسی تصمیم بگیرد مردمان دیگر را زیر سلطه و قدرت خود قرار دهد و اموال آنان را به چنگ آورد، از همین قوه سوء استفاده می کند، به حقوق مردم تجاوز می نماید و به ظلم و ستم می پردازد. ظالمین و متجاوزان به حقوق مردم در جهان کسانی هستند که از همین قوه استفاده نادرست کرده اند.

بررسی

چه عواملی امروزه سبب می شوند تمایلات مادی ما تحریک شوند و از حد اعتدال خارج گردند؟ آنها را شناسایی کرده و نام ببرید.

پاسخ به یک پرسش

ممکن است بپرسید پس چرا برخی می گویند اگر تمایلات مادی و حیوانی انسان محدود نشود و منع ها زیاد نباشد، حالت تحریک و طغیان هم کمتر می شود؟ پس چرا می گویند انسان نسبت به آن چیزی که منعش می کنند حریص تر می شود؟

در پاسخ به این سؤال می گوئیم :

اولاً؛ منع کامل یک میل سبب حریص تر شدن می شود، نه توصیه به استفاده معتدل از آن میل.

ثانیاً؛ گاهی کسانی که دچار افراط در استفاده از یک میل هستند، و به دنبال اشاعه آن در میان دیگران می باشند، برای گونه سؤال ها تأکید می کنند تا بین مردم افرادی مانند خود بیابند و یا کسانی را مانند خود اسیر استفاده افراطی از یک میل نمایند. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید : ذَوُّ الْعُيُوبِ يُحِبُّونَ إِشَاعَةَ مَعَايِبِ النَّاسِ لِيَتَسَبَّحَ لَهُمُ الْعُذْرُ فِي مَعَايِبِهِمْ^۱.

«کسانی که خود عیب دارند، علاقه مند به شایع کردن عیب های مردم هستند، تا جای عذر و بهانه برای عیب های خودشان باز شود.»

ثالثاً؛ افرادی که منافع و تجارتشان در گسترش و افراط در تمایلات مادی است و به دنبال حریص تر شدن مردم هستند به استفاده متعادل از تمایلات نام منع می گذارند.

۱- غرالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، ج ۱، ص ۳۷۱.

پشتوانه محکم دوری از گناه

همان طور که توضیح داده شد، انسان به طور فطری گناه را دوست ندارد و فضیلت و خیر را می خواهد. اما این مسئله سبب دوری از گناه نمی شود، زیرا چنان که گفته شد، عوامل تحریکی ممکن است زمینه توجه بیش از حد انسان به تمایلات حیوانی شود و برای رسیدن به آن تمایلات مرتکب گناه گردد. بنابراین ما نیازمند یک پشتوانه محکم برای دوری از گناه هستیم و این پشتوانه محکم چیزی جز ایمان به خداوند نیست. ایمان به خداوند از چند جهت پشتوانه دوری از گناه است :

۱- انسان مؤمن می داند که خداوند ناظر کارهای اوست. از این رو حیا می کند که در پیشگاه او مرتکب گناه شود. در صورتی که گناهی هم از او سرزند از خداوند شرمند می شود و توبه می کند.

۲- انسان مؤمن می داند که خداوند انسان را بیهوده نیافریده و نسبت به اعمال وی بی تفاوت نیست. در روز حساب، به نیکوکاران پاداش می دهد و بدکاران را مجازات می کند.

۳- انسان مؤمن در سرگردانی قرار ندارد. خداوند او را راهنمایی کرده و مشخص نموده که چه عملی و چه کاری واجب و لازم و چه کاری حرام است. انسان مؤمن تکلیفش با خودش و با دیگران روشن است، با اعتماد و اطمینان به فرمان الهی عمل می کند و به سوی سعادت و رستگاری پیش می رود.

به راستی که مؤمنان پیروز و رستگارند.

همنان که در نمازشان خاشع و فروتن اند.

و آنان که از بیهوده کاری رویگرداندند.

و آنان که انفاق مال انجام می دهند.

و آنان که پاکدامنی می ورزند و فقط از همسران خود بهره می گیرند.

و آنان که امانت دارند و بر سر پیمانشان استوارند.

و آنان که از نمازهای خود محافظت می کنند.

اینان وارث وعده های زیبای خداوند هستند و «فردوس» را که یکی از بالاترین مراحل بهشت است،

برای ابد به ارث می برند.^۱

بررسی یک مسئله

فوراً این سؤال به ذهن انسان خطور می کند که چرا برخی مؤمنین گناه می کنند، آن هم گناهان بزرگ؟ پاسخ به این سؤال نیازمند تأمل و دقت است. از همین جهت، آن را در چند بند پاسخ می دهیم :

۱- برگرفته از سوره مؤنون، آیات ۱ تا ۱۱.

همچنین دوستان و هم کلاسی‌های ما نیز نمونه‌های خوبی برای بررسی این مسئله و رسیدن به پاسخ مناسب هستند. آیا دوستانی که واقعاً اهل نماز و روزه‌اند، بیشتر گناه می‌کنند یا دوستانی که کمتر به نماز و روزه خود توجه دارند؟

۴- باتوجه به نکته فوق، هرکس در موقعیتی قرار بگیرد که امکان گناه برای او بیشتر فراهم باشد، باید ایمان قوی‌تری داشته باشد تا بتواند از آن موقعیت به سلامتی عبور کند و آلوده نگردد. به‌طور مثال کسی که مدیر یک بخش بزرگ اقتصادی است و اموال زیادی تحت مدیریت اوست، اگر ایمان قلبی خود را تقویت نکرده باشد، در هر لحظه ممکن است آلوده به گناه شود و از آن اموال سوءاستفاده نماید. آلوده شدن چنین فردی به گناه، نه فقط او را به جهنم می‌کشاند، بلکه برخی افراد را که توانایی تحلیل دقیق مسئله را ندارند، نسبت به اصل دین و کارآمدی آن بدبین می‌سازد. ثروتمندان جامعه نیز در معرض همین امتحان هستند. آنان نیز اگر ایمان خود را تقویت نکنند، ممکن است برای پاسخ به امیال نفسانی خود، از این ثروت سوءاستفاده کنند و به گناه آلوده شوند. قرآن کریم دربارهٔ این افراد می‌فرماید :

چنین نیست [که آنها این نعمت‌ها را شکر کنند، بلکه] به یقین انسان سر به طغیان بر می‌آورد، همین که خود را بی‌نیاز ببیند.

٢- سورة علق، آيات ٦ و ٧

۵- انسانی که ایمان ضعیفی دارد، اگر ایمان خود را تقویت نکند و به گناه آلوده شود، به تدریج به گناه عادت می‌کند و به جایی می‌رسد که همین ایمان ضعیف را هم از دست می‌دهد و همه حقایق، حتی خدا را انکار می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید :

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ	سپس سرنوشت آنان که
أَسَاءُوا السَّوَاءِ	مرتکب گناه شدند
أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ	چنین شد که نشانه‌های الهی را تکذیب کردند
وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ ^۱	و آن نشانه‌ها را به باد تمسخر گرفتند

اگر انسان هنگامی که اولین گناه را مرتکب می‌شود، شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود را ببیند، به شدت از آن بیزار می‌شود و دوری می‌کند. اما چون آن شخصیت آلوده به تدریج شکل می‌گیرد، در ابتدا تن به گناه می‌دهد و پس از آنکه در آن گرفتار آمد و خود را بدان عادت داد، آن تنفر اولیه را نیز فراموش می‌کند. «توجیه» گناه و «عادت» به آن، از پرتگاه‌های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است.

۶- هرکس، چه مؤمن و چه کافر، فکرش را به‌سوی گناه ببرد و دربارهٔ صحنه‌های گناه فکر کند، گرفتار آن می‌گردد. امام علی علیه السلام می‌فرماید :

مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا.^۲

کسی که دربارهٔ معاصی زیاد فکر کند، گناهان او را به‌سوی خود می‌کشانند.

گرچه فکر گناه، مانند انجام گناه نیست و مجازات گناه را ندارد، اما زمینه‌ساز رفتن به سوی گناه است. حضرت عیسی علیه السلام در سخنی با حواریون فرمود : «موسی بن عمران به شما دستور داد که زنا نکنید اما من به شما فرمان می‌دهم که حتی فکر زنا را نیز به خاطر نیاورید چه رسد به اینکه آن عمل را انجام دهید. زیرا هر کس که فکر آن را بکند مانند کسی است که در ساختمانی آتش روشن کند که در این صورت دود آتش، خانه را سیاه می‌کند، گرچه ظاهر خانه سالم است.»^۳

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید : چهار رفتار نسبت به گناه از خود گناه بدتر است :

۱- کوچک شمردن گناه (مثلاً وقتی نگاه هوس‌آلود به نامحرم می‌کنیم، برای راحتی وجدان، بگوییم این که چیزی نیست، دیگران گناهان بزرگ‌تر از این را انجام می‌دهند.)

۲- افتخار کردن به گناه (مثلاً بگوییم، وقتی که فلان شغل را داشتم فلان رشوه را گرفتم و هیچ کس نفهمید.)

۱- سورة روم، آیه ۱۰

۲- غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، حدیث ۸۵۶۱.

۳- بحارالانوار، مجلسی، ج ۱۴، ص ۳۳۱.

۳- شادمانی کردن (مثلاً بعد از گناه خوشحالی کنیم و بگوئیم چه کلاهی سر او گذاشتم).

۴- اصرار بر گناه (بگوئیم خوب کردم که رشوه گرفتم، باز هم رشوه می گیرم).^۱

گناهان صغیره و کبیره

در یک تقسیم بندی، گناهان به دو دسته صغیره و کبیره تقسیم می شوند.^۲ گناهان کبیره گناهانی هستند که آثار سوء و زیان بار آنها به مراتب از گناهان صغیره بیشتر است. تعداد گناهان کبیره در آیات و روایات به طور دقیق تعیین نشده فقط می توان گفت که برخی از گناهان حتماً از جمله گناهان کبیره هستند.^۳ عادت و تکرار گناهان صغیره زمینه ساز رفتن انسان به سمت گناهان کبیره است. از این رو امام رضا (ع) می فرماید:

«گناهان کوچک راه هایی برای گناهان بزرگ اند و کسی که در امور کوچک از خدا ترسد، در امور بزرگ تر نیز نخواهد ترسید»^۴

کتمان گناه

در تعالیم دین توصیه شده است که اگر کسی به هر علتی گناهی را انجام داد، نباید گنااهش را برای دیگران بیان کند، زیرا با اظهار گناه، زشتی آن در نظر او و دیگران از بین می رود و انجام گناه امری عادی جلوه می کند.^۵ اگر در جامعه ای گناه، زشتی خود را از دست دهد، فساد در آن جامعه به سرعت گسترش می یابد. از این رو کسانی که در فضای مجازی یا در صحبت با دوستان خود، به راحتی گناهان خود را با دیگران در میان می گذارند گناه بزرگ دیگری را علاوه بر گناه قبلی، برای خود ثبت می کنند، زیرا باعث ترویج آن گناه می شوند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ
يَكْفُرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...^۶
بی گمان، کسانی که دوست دارند کارهای بسیار
زشت در میان مؤمنان شایع شود، در دنیا و
آخرت عذابی دردناک دارند.

۱- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۱۱، ص ۳۶۷.

۲- این تقسیم بندی ناظر بر آیه ۳۱ سوره نساء است که می فرماید «إِنَّ تَجَنَّبُوا كِتَابَ مَا تُهَوَّنُ عَنْهُ، نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمًا».

۳- برخی از گناهان کبیره عبارت اند از: شرک به خدا، یأس از رحمت الهی، عاق والدین، قطع رحم، رباخواری، زنا، لواط، کم فروشی، فرار از جهاد، کمک به ستمکاران، یاری نکردن به ستم دیدگان، اسراف، ترک یکی از واجبات، اصرار بر گناه، غیبت، بهتان، ریختن آبروی دیگران، احتکار، کبر، دشمنی با مؤمنین، کفران نعمت (برای توضیح بیشتر به کتاب «گناهان کبیره» از آیت الله شهید دستغیب مراجعه کنید).

۴- «الضَّعَائِزُ مِنَ الذُّنُوبِ طُرُقٌ إِلَى الْكِبَائِرِ وَ مَنْ يَخْفِ اللَّهُ فِي الْقَلِيلِ لَمْ يَخَفْهُ فِي الْكَبِيرِ».

۵- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۱۰، ص ۷۸.

۶- سوره نور، آیه ۱۹.

آثار گناه

گناهان، آثار نامطلوبی بر زندگی دنیوی و اخروی ما دارند که به سه مورد آن اشاره می‌کنیم :

۱- قساوت قلب : قساوت قلب حالتی است که قلب انسان نسبت به حق تسلیم نیست، تا آنجا که نصیحت هیچ نصیحت کننده در او اثر نمی‌کند. این حالت با تکرار گناه پیدا می‌شود؛ یعنی قلب با تکرار گناه، به تدریج چنان سخت می‌شود که دیگر انجام هیچ گناهی او را ناراحت نمی‌کند. قرآن کریم به گناهکاران خطاب می‌کند و با مثالی وضع آنان را توضیح می‌دهد :

«سپس دل‌هایتان پس از آن سخت شد، همانند سنگ یا سخت‌تر از سنگ. زیرا که از بعضی سنگ‌ها جویباران می‌شکافد و از بعضی از آنها آب بیرون می‌آید و برخی از آنها از عظمت و خشیت خداوند فرو می‌افتد.»^۱

امام باقر علیه السلام فرمود : «هیچ چیز مانند گناه دل را فاسد نمی‌کند. همانا قلب آلوده به گناه می‌شود تا جایی که بر اثر استمرار، گناه بر آن چیره می‌شود و آن را زیر و رو می‌کند.»^۲

۲- سلب توفیق : وقتی انسان مرتکب گناه می‌شود، علاوه بر آثار مستقیم گناه، توفیقی نیز از او سلب و دری از خیر به روی او بسته می‌شود. همین محرومیت چه بسا سرچشمه محرومیت‌های بعدی می‌شود؛ مگر اینکه شخص پس از انجام گناه، قلباً پشیمان شود و با توبه به درگاه الهی بازگردد.

۳- از بین بردن آرامش خاطر : گناه، بر وجدان انسان اثر می‌گذارد و شخص را از درون ناراحت می‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید : «گاهی، یک لحظه گناه، اندوه و حزن طولانی به دنبال دارد.»^۳ اگر گناهکار، در همین مرحله توبه کند، خود را از اندوه درونی نجات داده است. اما اگر گناه را تکرار کند، برای راحت کردن وجدان خود، پیوسته دست به توجیه می‌زند تا بالاخره بر وجدان خود چیره شود و گناه را به آسانی انجام دهد.

خودآزمایی

حالت خود را هنگام نافرمانی از خداوند بررسی کنید و ببینید.

- ۱- به کدام خطا عادت کرده‌اید و علت آن چیست؟
- ۲- به آثار سوء آن خطا آشنا هستید و می‌دانید چه اثری برجا می‌گذارد؟
- ۳- هنگام انجام آن خطا، چه حالتی در پیشگاه خداوند دارید؟

۱- سورة بقره، آیه ۷۴.

۲- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۲۶۸.

۳- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۵۱.